

روش مناظره‌ی علمی در سیره‌ی آموزشی امامان معصوم(ع) (مطالعه‌ی موردی: مناظرات علمی امام رضا(ع))

سید حسن هاشمی اردکانی*

سید ابراهیم میر شاه جعفری**

چکیده

مناظره گفتمانی برای ایجاد فهم مشترک و درک متقابل توأم با اثربخشی دوجانبه است؛ از این رو، ائمه‌ی معصوم(ع)، به ویژه، حضرت رضا(ع) آن را به عنوان یکی از روش‌های آموزشی در موضوعات پرچالش علمی درخور دقت و تأمل بسیار می‌دانستند. هدف این مقاله تبیین روش مورد نظر بر اساس شیوه‌ی مناظره‌ای علمی امام رضا با عالمان ادیان دیگر است؛ بنا بر این، این مقاله الگوی عملی مناظره را ارائه می‌دهد. این مقاله که از نوع پژوهش‌های بنیادی بوده، با روش تحقیق کیفی مبتنی بر تحلیل محتوایی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به مطالعه‌ی مناظرات امام(ع) می‌پردازد که با توجه به روش، اصول و چگونگی فرایند مناظره‌ای آن حضرت می‌توان آن را به عنوان روش آموزشی مطرح کرد و به کار بست. در این مقاله، ابتدا روش مناظراتی حضرت رضا(ع) و سپس اصول حاکم بر روند آن و چگونگی فرایند یک مناظره‌ی علمی نزد آن حضرت بررسی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: مناظره‌ی علمی، اصول مناظره، روش مناظره‌ی علمی

* دانشجوی دوره‌ی کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش دانشگاه اصفهان

Email: hashemihassan97@yahoo.com

Email: sebrahimjafari@yahoo.com

** عضو هیئت علمی گروه تربیتی دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۸۷/۵/۲۰ تاریخ تأیید: ۸۷/۹/۱۵

مقدمه

روش مناظره‌ای از روش‌های آموزشی‌ای بوده که ائمه‌ی معصوم (ع) همواره از آن برای ایجاد فهم مشترک و درک متقابل توأم با اثربخشی دوجانبه و با هدف آگاهی‌بخشی، رد و بدل کردن اطلاعات، ایجاد نگرش‌های مثبت، کاهش منازعات، رفع تضادها و توسعه‌ی موارد توافق و کمک به حل مسائل استفاده‌ی عملی می‌کردند. در واقع، مناظره از روزگار صدر اسلام که یهودی و نصارا به حضور پیامبر اسلام (ص) می‌رفتند، آغاز شده، رواج یافت.

مناظره بسیار مهم، ظریف و حساس است به گونه‌ای که انجام مطلوب آن بسیار سودمند و اثربخش است و انجام غیر صحیح و نامناسب آن نتیجه‌ی عکس می‌دهد. مسلم است که در فرهنگ و تفکر اسلامی، مناظره (البته به شیوه‌ی علمی) در موضوعات و مسائل ویژه (بیشتر مباحث عقیدتی) ضرورتی است اجتناب‌ناپذیر و از این رو، مورد تأکید فراوان و توصیه‌ی مکرر بوده است. علت اساسی این تأکید و توصیه نقش محوری مناظره‌ها، کاوش‌ها و بررسی‌های علمی در نمایاندن راه از بیراهه، مرتفع نمودن موانع رشد و بالندگی و آماده‌سازی تمهیدات و زمینه‌های مساعد برای طی مراحل و مراتب مختلف پیشرفت و توسعه در ابعاد و جلوه‌های گوناگون و مرتبط با حیات سالم و پویای مادی و معنوی انسان است؛ به این دلیل، یکی از شاخص‌ترین اسلوب‌های خردمندانه و متکی بر فصاحت و بلاغت قرآن در مورد اثبات یگانگی خدا و صدق انبیا و آنچه از جانب خداوند آورده، تبلیغ کردند، همین شیوه‌ی مناظره است که اهمیت و ضرورت آن را می‌توان از این آیه فهمید: «آیا ندیدی که نمرود درباره‌ی یکتایی خدا با ابراهیم به مجادله و احتجاج برخاست؛ آن گاه ابراهیم به او گفت: خدای من، خدایی است که زنده می‌کند و می‌میراند؛ نمرود گفت: من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم؛ ابراهیم گفت: مطمئناً، خداوند خورشید را از جانب خاور می‌آورد؛ تو اگر توانی آن را از مغرب طالع کن؛ آن که کفر ورزیده بود، از جواب عاجز ماند و درمانده شد، و خداوند رهنمای ستمکاران نخواهد بود» (بقره، ۲۵۸).

بنا بر این، بحث و بررسی‌های علمی در موضوعات مختلف، ارجمندی ویژه‌ای دارد که هم در آموزه‌های اسلامی و هم در سیره‌ی پیامبر اعظم (ص) و ائمه‌ی دین (ع)، مصادیق فراوان از این منزلت و ارزشمندی متجلی گردیده است. مصداق بارز و مشهور این ارجمندی را در کلام و رفتار پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌یابیم.

روزی پیامبر اعظم(ص) وارد مسجد شد و مشاهده کرد که دو مجلس تشکیل شده است؛ یکی مجلس علم که در آن، درباره‌ی معارف اسلامی بحث می‌کردند و دیگری مجلس دعا که در آن خدا را می‌خواندند. رسول خدا(ص) فرمود: «هر دو مجلس خوب و مورد علاقه‌ی من است. آن گروه دعا و این گروه علم‌آموزی و مناظره می‌نمایند. گروه علمی برتر از گروه دعاست و پروردگار مرا برای تعلیم مردم مبعوث کرده است». سپس به گروه مباحثه‌کنندگان پیوست و با آنان در مجلس علم و فحص و بحث نشست (فلسفی، بی‌تا).

مشاهده کردیم که پیامبر اکرم(ص) ضمن گرامیداشت مجلس دعا و نیایش، مجلس دانش را ترجیح داد و تعلیم، تعلم و مناظره‌ی علمی را ارجمندتر و بافضیلت‌تر معرفی کرد و در جمع کاوشگران و فحص و بحث‌کنندگان دانش و بینش رفت. با اذعان به اهمیت مناظره در آموزش و استحکام و استواری معصومان(ع) در برخورد‌های علمی - آموزشی، در این مقاله، به بررسی چگونگی روش مناظره در سیره‌ی آنان می‌پردازیم. روش تحقیق ما کیفی مبتنی بر مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و استفاده از فنون استنباط و استدلال در تحلیل اطلاعات است. عمده‌ی مباحث مطرح‌شده در این مقاله، گرفته‌شده از روند مناظره‌های علمی امام رضا(ع) با عالمان ادیان دیگر است.

روش مناظره‌ی علمی

مناظره (مناظره‌ی علمی) جریان جست و جو برای به دست آوردن پاسخ یا راه حلی از راه گفت و گو، تبادل اطلاعات و عرضه‌ی ایده‌ها و نظرهاست. این روش هم به یاددهنده و هم به یادگیرنده فرصت می‌دهد که در فرایند مباحثه شرکت داشته، درباره‌ی موضوعات مختلف تبادل اطلاعات کنند. مهم‌ترین ویژگی این روش آن است که فرصتی برای یاد گرفتن به وسیله‌ی بیان و کشف ایده‌های متعدد و تجربه‌های ناشی از همکاری دوجانبه ارایه می‌کند (سجادی، ۱۳۸۰). به گفته‌ی برخی، بحث و مناظره تنها نشان‌دهنده‌ی ناهماهنگی در فعالیت‌ها و فقدان هرگونه زمینه‌ی مشترک درون ارتباط‌هاست (لیزینا، ۱۳۷۵)؛ چون مردم عقایدشان را بیان و ایده‌هایشان را مقایسه می‌کنند و در حالی که تلاش دارند نظرات هم‌سخنان خود را رد کنند، تمایل دارند از نگرش خود دفاع کنند. در صورتی که در مناظره‌های علمی امام رضا(ع) بحث کردن به

گونه‌ی دیگر و در راستای، دستیابی به هدفی بوده؛ برای مثال امام(ع) در مناظره با جاثلیق نصرانی، به او فرمود: «تو ای جاثلیق! قایل هستی که شهادت عیسی(ع) در حق خودش بود که گفت: "می‌گویم با شما ای گروه حواریین! که صعود نمی‌کند به سوی آسمان، مگر کسی که از آسمان نازل شده باشد غیر از من، مگر سوارشونده‌ی شتر که خاتم پیغمبران است؛ همانا آن حضرت به جانب آسمان صعود می‌نماید و فرود می‌آید." پس چه گویی در این سخن؟» (هدایت کردن به جهت بحث). جاثلیق گفت: «این قول عیسی است و منکر آن نیستم». امام(ع) فرمود: «پس چه می‌گویی در شهادت لوقا و مرقابوس و متی در حق عیسی(ع) و در آنچه نسبت دادند عیسی را بر آن؟» (هدایت کردن). جاثلیق عرض کرد: «ایشان دروغ بستند بر عیسی». امام(ع) فرمود: «ای قوم! آیا جاثلیق از نخست این علما را که اکنون می‌گوید: "دروغ بستند." تزکیه نکرد و گواهی نداد که ایشان علمای انجیل هستند و قول ایشان مقرون به حق و راستی است؟». جاثلیق عرض کرد: «ای عالم مسلمانان! دوست دارم که مرا از امر این علما معفو بداری». امام(ع) فرمود: «تو را از این کار معفو دارم و از این مسئله درگذشتم [همگامی در جهت درک متقابل]. اینک از هرچه دلت می‌خواهد بپرس ای جاثلیق!» (دعوت به پرسش) (ابن بابویه، ۱۴۰۴).

با توجه به این شیوه‌ی مناظره‌ای امام(ع) می‌توان اذعان داشت که هدف ایشان از مناظره، در واقع ۱. رسیدن به فهمی انتقادی و روشن از موضوع مورد بحث، ۲. ارتقای خودآگاهی فرد شرکت‌کننده در مباحثه و ۳. ایفای نقش کاتالیست (تسریع‌کننده) برای کمک به مخاطب است تا به روش آگاهانه‌تر و روشن‌تری به مباحث نگاه کند.

اصول مناظره‌ی علمی

پیش از پرداختن به چگونگی فرایند مناظره‌ی امام(ع)، باید به چند اصل حاکم بر فرایند مناظره‌ای آن حضرت توجه کرد؛ چرا که روش مناظره‌ی علمی به عنوان یک شیوه‌ی آموزشی همچون هر شیوه‌ی آموزشی دیگر، مستلزم در نظر گرفتن اصول مختص خود است و اساساً اصول، روش را ایجاب می‌کند. در واقع، به کارگیری یک روش مستلزم در نظر گرفتن اصول مرتبط با آن است. از آنجا که امام(ع) این اصول را به طور مشخص و به صورت گزاره‌های تجویزی ذکر نکرده است، با توجه به

روح حاکم بر مناظرات، می‌توان مواردی را که در ادامه می‌آید، اصول حاکم بر مناظره‌های علمی ایشان دانست.

۱. **خطاب توأم به عقل و دل و تحریک وجدان:** یکی از شرایط معنوی بلاغت و نفوذ کلام در مناظره را باید در استفاده از سخن نرم و آهنگ گرم دانست. تأثیر این شیوه تا بدانجاست که خداوند، موسی و هارون(ع) را در برخورد با فرعون ملزم به رعایت این شیوه می‌کند: ﴿قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (طه، ۴۳-۴۴)؛ با نرمی سخن بگویند، شاید متذکر شود و از عذاب خداوند بیم یابد^۱ و در جای دیگر، در رمز موفقیت پیامبر(ص) می‌فرماید: «اگر خشن و دل‌سخت می‌بودی، مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران، ۱۵۹).

با نگاهی به مناظره‌های حضرت رضا(ع) و نوع کلمات و عبارات ایشان روشن می‌گردد که در کنار خطاب به اندیشه‌های مخاطبان، به دل و فطرت آنان، از زاویه‌ای دیگر، در همان مناظره توجه و خطاب می‌شد؛ لحن گفتارها و کیفیت تغییر لحن حضرت گویای این حقیقت است.

امام رضا(ع) برای تأثیر هرچه بیشتر سخن در طرف مناظره‌ی خود و رسیدن به درک همدلانه با او همواره مطالب را نرم، ملایم و در قالبی موزون می‌ساخت و از معانی و مفاهیم تند، رنج‌آور و ناراحت‌کننده خودداری می‌نمود. مهم‌تر اینکه سخن نرم و ملایم ایشان همراه ادب و اخلاق‌گوینده‌ی حرفه‌ای بود که خود جنبه‌ی تربیتی و سازنده داشت. و چه بسا این کار عبادت محسوب شود؛ به گفته‌ی امام علی(ع): «من العبادة لين الكلام (آمدی، ۱۳۴۶)؛ بخشی از عبادت مسلمان دلنشین سخن گفتن اوست». در مناظره‌های ایشان، آنچه جلوه‌ی این مهم را نشان می‌دهد، تمایل مخاطب برای ادامه‌ی بحث است. به وضوح می‌توان در مناظره‌های امام رضا(ع) شاهد بود که صحبت‌های ایشان چنان در مخاطب تأثیر می‌گذاشت که وقتی آن حضرت صحبت‌هایش را پایان می‌داد، مخاطب مشتاقانه، به شنیدن مطالب بیشتر اصرار می‌نمود؛ برای مثال سلیمان مروزی که یکی از مناظره‌کنندگان با امام(ع) بود، پس از پاسخ امام(ع) در مورد بداء^۱، مشتاقانه از امام(ع) خواست که در مورد آن بیشتر بگوید (ابن بابویه، ۱۳۳۲).

۱. بداء به معنی از عزم برگشتن یا پشیمان شدن از کاری است که قصد انجام آن را داشته (عیون اخبار امام رضا(ع)، ۱۳۳۲، ج ۱، ترجمه و شرح محمد تقی اصفهانی، تهران).

۲. **منطق صواب:** از اصول اساسی در هر نوع برخورد اجتماعی و از جمله مناظره‌ی علمی، لزوم رعایت عدالت در گفتار و به عبارتی منطق صواب است و شاید اشاره‌ی امام علی(ع) در خطبه‌ی همام که فرمود گفتار متقین از روی راستی و صواب است (منطقهم الصواب) (نهج البلاغه، خطبه‌ی همام)، تأکیدی بر اهمیت این اصل باشد؛ چراکه گفتار صواب همان رعایت حد انصاف در گفتار است (بحرانی، ۱۳۴۹)؛ تأکید امام رضا(ع) همواره، در مناظره‌ها بر این مهم بود. آورده‌اند هنگامی که بنا بود امام(ع) با کسی مناظره‌ای داشته باشد، پیش از آغاز مناظره، از طرف مناظره‌ی خود می‌خواست که به عدالت در بحث توجه داشته باشد؛ برای مثال امام(ع) در پاسخ به درخواست عمران صابی برای سؤال پرسیدن از امام(ع) فرمود: «سؤال کن؛ اما عدالت را در بحث از دست مده و از کلمات ناموزون و انحراف از اصول انصاف بپرهیز» (مرتضوی، ۱۳۷۵) یا در مناظره با سلیمان مروزی، امام(ع) اذعان داشت: «ای سلیمان! هرچه می‌خواهی از ابو الحسن بپرس؛ ولی خوب گوش کن و در بحث انصاف را رعایت کن» (ابن بابویه، ۱۴۰۴).

۳. **نظم منطقی در گفتار:** تنظیم و ارتباط معنایی الفاظ گفتار از جمله‌ی اصول اجتناب‌ناپذیر سخن مفید و جهت‌دار در مناظره‌ی علمی است؛ از این رو، مجموعه‌ی یک بحث اساسی باید چنان عنوان، دسته‌بندی، تحلیل و جمع‌بندی و پایانی داشته باشد که برای خود و طرف مناظره فهمیدنی باشد. این سخن هربرت اسپنسر که «کسی که افکارش مرتب و منظم نیست، هرچه زیادتر بداند، بیشتر موجب اغتشاش و اشتباه فکرش می‌شود» (کارنگی، بی تا)، تأکیدی بر همین اصل است. امام رضا(ع) در مناظره‌های علمی، با تأکید و تکیه بر این اصل، همواره با توجه به روان‌شناسی و روح کلام، مخاطب را مجذوب خود می‌نمود؛ برای نمونه هنگامی که عمران صابی از امام(ع) خواست که از نخستین وجود و مخلوقاتش با وی سخن بگوید، ایشان پاسخ را با این مقدمه آغاز کرد: «اما خداوند یگانه، از ازل بی‌همتا بوده، موجودی است که چیزی با او نبوده؛ حدود و اعراض راهی به او نداشته و الآن؛ همچنان که در آینده چنان است. پس مخلوقات را به طور ابداعی، با اعراض مختلف و مورد گوناگون آفرید. این خلقت ابداعی را نه در چیزی برپاداشت و نه در چیزی محدود ساخت؛ نه بر چیزی مقابل نمود و نه با چیزی مشابه...».

در ادامه، ایشان با تجزیه و تحلیل مباحث ضمن تبیین جایگاه خداوند و مخلوقات، این نتیجه‌ی معقول را می‌گیرد: «... خداوند متعال مخلوقات را از روی احتیاج نیافریده است؛ بلکه احتیاج را در مخلوقات به وجود آورده است که به وسیله‌ی بعضی از آنها به بعضی دیگر منتقل می‌گردد و بعضی را بر بعضی ترجیح داده است؛ بدون نیاز به آنچه برتر است و بدون خصومت با آنچه در موقعیت پست قرار گرفته است و بدین ترتیب، موجودات را خلق فرموده است» (ابن بابویه، ۱۴۰۴).

۴. توجه به محتوای پیام گوینده: از اهم اصول و ضوابط گفت و گو و حتی ارتباط و مفاهمه و تعامل با دیگران این است که از جدل و سفسطه پرهیز کرده، مهم‌تر اینکه به جای کوشش در تدارک پاسخ، در فهم کلام متکلم بکوشد. هنگامی که تمام حواس و توان شنونده بر عیب‌یابی کلام متکلم و پاسخ دادن به او متمرکز شود، از درک حقیقت سخن او غافل می‌ماند و شاخه‌های انحرافی به گفت و گو تحمیل می‌شود؛ از این رو، در مناظره‌ی علمی همین دریافت صحیح محتوا مورد نظر است که با نظر به مبنای تأثیر اندیشه بر گفتار خردورزی در گفتار به عنوان دستور العمل کلی در فرایند مناظره به کار گرفته می‌شود (مقامی، ۱۳۸۳). بر این اساس می‌توان اذعان داشت که کسی می‌تواند در به کارگیری روش مناظره مهارت داشته باشد که طرف مقابل درک درستی داشته باشد از آنچه او احساس می‌کند و می‌خواهد منتقل کند؛ امام رضا(ع) در مناظره‌های خود، به طرف مناظره لزوم درک و رعایت این اصل را گوشزد می‌نمود؛ مثلاً به عمران صابی فرمود: «ای عمران! خبر می‌دهم تو را به آنچه پرسش کردی؛ لکن در آنچه تو را می‌گویم، از روی تعقل بنگر و در آنچه پرسش کردی، فهم و عقل پیش آور؛ چه این مطلب غامض‌ترین و مشکل‌ترین مسائل و مطالبی است که بر مردم وارد می‌شود، و کسانی که دارای عقل، فهم و ادراک ثابت نباشند و در عرصه‌ی جهل و نادانی دچار باشند، از فهم آن عاجز گردند، و کسانی که دارای عقل، انصاف، حق‌خواهی و حق‌شناسی باشند، از فهم بیچاره نیستند» (ابن بابویه، ۱۴۰۴).

در روشنگری این سخن می‌توان گفت درک نکردن محتوای پیام مشکلی است که می‌تواند در فرایند مناظره خلل ایجاد کند. راه حل آن در برخورد مناظره‌ای امام(ع) با طرف مناظره، از طریق نقد و بررسی ارایه گردیده است. در همین مناظره، امام رضا(ع) در پاسخ به عمران صابی درباره‌ی این موضوع که خدا در چه چیز است؟ آیا چیزی بر

او احاطه دارد؟ و آیا از چیزی به چیزی تغییر و تحول می‌نماید؟ ذیل عبارات پیشین، از غامض بودن مطالب و مفصلاتی که مسائل مطرح شده داشت، به او پاسخ و در پایان، با بیان «افهمت یا عمران؟» حقیقت موضوع مطرح شده را به او نشان داد.

این نوع پاسخگویی امام(ع) بیانگر این موضوع است که مناظره مستلزم نقد است؛ یعنی وقتی مناظره‌کنندگان موضع انتقادی داشته باشند، خود را متعهد و ملزم به پرسش کردن و توجه دقیق به تمام موضوعات می‌دانند؛ البته این امر مستلزم نگرش باز به مسائل و آمادگی برای بازاندیشی درباره‌ی چیزی است که تا کنون مسلم و درست می‌دانسته‌اند. (چیزی که امام در مناظره‌ی علمی با عمران صابی درباره‌ی غامض بودن مطرح و عمران صابی آن را تأیید کرد). بازاندیشی مفروضات آشکار و پنهان منجر به شناخت و بررسی مسائلی می‌شود که سهواً، بدیهی پنداشته شده است و این امر رشته‌ی مستمر پرسش، نقد، استدلال و نقد استدلال را ایجاد می‌کند. آمادگی ذهنی مناظره‌کنندگان در این فضای باز فکری به معنای آمادگی برای متقاعد شدن و تغییر دیدگاه‌های خود، در صورت مواجهه با مباحث متقاعدکننده است؛ البته نباید انتظار داشت که همه در بحث به توافق برسند؛ زیرا عدم توافق می‌تواند به ادامه‌ی بحث و شکافته شدن ظرایف و دقایق بیشتر منجر شود.

۵. حد سخن: درازگویی در مناظره، از لحاظ روحی و روانی، تأثیر مثبتی بر بحث نخواهد داشت؛ حتی بعید نیست نتیجه‌ی عکس داشته باشد و چه بسا، عامل رنج طرف مناظره گردد. هنگام پاسخ یا پرسش، باید سخن را کوتاه و پرمغز بیان کرد. وقتی می‌شود با یک جمله مطلب را رساند، نیاز نیست از جمله‌های طولانی و تکراری یا عبارت‌های مترادف استفاده کرد.

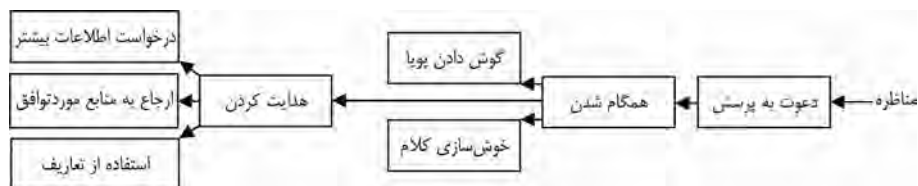
بجاست که وقتی مخاطب کششی بالاتر از فهم آن گفتار ندارد، مناظره‌کننده مفاهیم و معارف فراوانی را به اندازه و با پرهیز از به کارگیری الفاظ بسیار ایراد و طرف مناظره را قانع کند؛ برای نمونه امام رضا(ع) به عمران صابی که پرسیده بود خدا کیست؟ به طور مختصر پاسخ داد که: «خدا نور است؛ به این معنی که هدایت‌کننده‌ی مخلوقات خود از اهل آسمان و زمین است» (ابن بابویه، ۱۴۰۴)؛ در حالی که در برابر تداوم پرسش‌ها، به تفصیل، به بیان مطالب می‌پرداخت؛ چنان که در مناظره با سلیمان مروزی در مورد نظر امام(ع) درباره‌ی کسی که «اراده» را همچون

«حی»، «سمیع»، «بصیر» و «قدیر» اسم و صفت بدانند، به تفصیل، به شرح این مفاهیم پرداخت (ابن بابویه، ۱۴۰۴).

۶. مستندگویی: احتجاج در بحث باید مدلل باشد؛ یعنی بیان مطالب، اخبار و آمار باید معتبر و مستند باشد و از مطالب دروغ و بی‌اساس که با منطق و عقل سازگار نیست، خودداری شود. به موجب این اصل، نقل مطالب کذب و ضعیف افزون بر اینکه از نظر اخلاقی درست نیست، ارزش مطلب حیثیت‌گوینده‌ی آن را خدشه‌دار می‌سازد. امام(ع) در مناظرات خود، به این مقوله توجه شایانی داشت و ضمن بیان یک مطلب منبع آن را ذکر می‌نمود؛ چنان که خود در تأکید بر این موضوع می‌فرمود: «آیا منصف‌ترین افراد کسی نیست که در مناظره با خصم خود، با کتاب و پیامبر و شریعت او به مناظره برخیزد!» (مرتضوی، ۱۳۷۵). حتی گاهی، ایشان مخاطب بحث را در حین بحث مستقیم، به منع رجوع می‌داد؛ برای نمونه در مناظره با رأس الجالوت، از او پرسید که آیا مطالب مربوط به حزقیل پیامبر را در تورات دیده است... که پنج‌هزار نفر را پس از گذشت شصت سال از مردنشان زنده نمود؟ و در همین مناظره، برای اثبات نبوت حضرت رسول(ص) یک بار وی را به کتاب/شعیا و بار دیگر به زیور داوود رجوع داد؛ این سه ارجاع با تصدیق رأس الجالوت همراه بود (ابن بابویه، ۱۴۰۴).

فرایند مناظره‌ی علمی

با توجه به مقدمه‌ای که در «روش مناظره‌ی علمی» گذشت، فرایند مناظراتی امام رضا(ع) را می‌توان طبق نمودار، در سه مرحله‌ی دعوت به پرسش، همگامی با مخاطب مناظره و هدایت کردن او آورد.



۱. دعوت به پرسش

اولین مرحله‌ی مشهود در فرایند مناظراتی امام رضا(ع)، دعوت ایشان از دیگران برای مباحثه است. در واقع، دعوت به مباحثه نقطه‌ی آغازین در مناظره‌های علمی ایشان

محسوب می‌شود. امام(ع) همواره، مناظره را چنین آغاز می‌نمود: «اگر در بین شما کسی هست که می‌خواهد سؤال کند، بدون خجالت و رودربایستی سؤال کند» (ابن بابویه، ۱۴۰۴). این شیوه‌ی رفتاری امام(ع) موجب می‌شد طرف مقابل، بدون هیچ‌واهمه‌ای سؤال کند؛ برای نمونه می‌توان این گوشه از مناظره‌ی امام با عمران صابی را نقل کرد:

امام رضا(ع): ای قوم! اگر در بین شما کسی مخالف اسلام هست و می‌خواهد سؤال کند، بدون اینکه غضبناک شود، سؤال کند.

عمران صابی: ای دانای مردم! اگر خودت دعوت و خواهش نکرده بودی که از شما سؤال شود، هرگز از شما سؤال نمی‌نمودم... (ابن بابویه، ۱۳۳۲).

۲. همگام شدن

همگام شدن با مخاطب مستلزم به کارگیری روش‌های مختلفی است. می‌توان با روحیه، با زبان بدن و انگاره‌های سخن (اندازه‌ی صحبت، لحن صدا، بلندی و کوتاهی آن، کلمات و عبارات) و نیز با باورها و اعتقادات اشخاص همگام شد (فرهنگی، ۱۳۷۴). به عبارتی، مناظره‌گر باید در هر مناظره نمادهای خاص آن نوع مناظره را به خوبی بشناسد و درک کند تا بتواند اطلاعاتش را به راحتی و با موفقیت منتقل سازد؛ از این رو می‌بینیم که امام رضا(ع) با دامنه‌ی درک و رفتار وسیع خود ساده‌تر می‌توانست انواع طرز رفتار دیگران یا تیپ‌های شخصیتی مخاطب را نشان دهد. در اصل، امام(ع) با همگامی با مخاطب به او می‌گفت که نظر او را می‌شنود و در راستای آن حرکت می‌کند؛ به زبان واحد حرف می‌زنند و طول موج او را دارد.

همگام شدن امام(ع) با مباحثه‌گر، در واقع، فضا را برای طرح دیدگاه‌ها و پیشنهادها بیشتر باز می‌نمود؛ چرا که عمل ایشان، در واقع، پذیرفتن طرف مناظره بود؛ چون او را می‌پذیرفت، او امام(ع) را می‌پذیرفت؛ به عبارتی همگام شدن امام(ع)، به نوعی، مقاومت مناظره‌گر را کاهش می‌داد. از این طریق امام(ع) می‌توانست با آگاهی از تجربه‌ی مخاطب هم‌آوایی با آنها، وی را به تجربه‌های جدید رهنمون سازد. در واقع، این مرحله از فرایند مناظره مبتنی بر پیش‌بینی درست از وجوه اشتراک نهفته در یک نقش یا حرفه است که توان سازگاری و انطباق با ادراک‌های مشترک و نگرش‌های یکسان در رمزگذاری و رمزخوانی پیام‌ها را در آن حرفه یا نقش دارد (فرهنگی، ۱۳۷۴).

۲-۱. شیوه‌های همگام شدن با مخاطب

الف. گوش دادن پویا: یک مناظره‌ی علمی اصولاً، مستلزم گوش دادن و سخن گفتن است و در فرایند مناظره، این دو از هر جهت برابرنند. گوش دادن به مخاطب در کنار سخن گفتن (سخنرانی)، از روش‌های مهم مورد تأکید امام رضا(ع) برای درک بهتر مخاطب خود در مناظره بود. در واقع هدف، نزدیک شدن به درک تجربه‌ی مخاطب تا حد امکان بود که امام(ع) از این طریق می‌توانست با مخاطب ارتباط مؤثری برقرار سازد؛ چرا که همگامی واقعی، مستلزم گوش فرادادن به سخنان مخاطب است و به عبارتی، راه رسیدن به درک همدلانه، پیروی از این قاعده است؛ به قول مولانا:

ای بسا دو ترک چون بیگانگان ای بسا هند و ترک هم‌زبان
پس زبان همدلی خود دیگر است همدلی از هم‌زبانی بهتر است

ب. خوش‌سازی کلام: امام علی(ع) فرمود: «خیر الکلام ما لا یمل و لا یقل (غرر الحکم)؛ بهترین سخن آن است که شنونده را خسته و افسرده نسازد و از اعتبار‌گوینده نگاهد؛ این سخن بیانگر این موضوع است که عرضه‌ی مطالب به مقتضای حال مخاطب شرط اساسی در درک همدلانه است؛ از این رو، امام رضا(ع) در تمام مباحثات خویش، با کلام شیوا و شیرین، ذهن مخاطب را بیدار نگه می‌داشت؛ برای مثال ایشان به عمران صابی که سؤال کرد آیا چنین نیست که خداوند پیش از ایجاد مخلوقات ساکت بوده، پس سخن گفت؟ فرمود: «سکوت ممکن نیست، مگر اینکه پیش از آن نطقی صورت گرفته باشد؛ همان‌طور که گفته نمی‌شود چراغ ساکت است یا با اراده به ما روشنایی می‌دهد؛ زیرا روشنایی و کار وجودی صادر از چراغ نیست؛ چراغ جز موجودیت خود چیزی نیست؛ وقتی که چراغ برای ما روشن شود، می‌گوییم چراغ برای ما روشن شد و ما از روشنایی آن برخوردار گشتیم» (ابن بابویه، ۱۴۰۴).

نکته‌ی مهم این است که سخنی با این ویژگی قدرتی دارد که موجب محفوظ ماندن جاذبه و روحیه‌ی بیداری و حضور مخاطب می‌شود. چنانچه به روند مناظرات امام(ع) توجه کنیم، می‌توانیم راز جاذبه‌ی سخن شیرین ایشان را در ترغیت مخاطب در استفاده از اسلوب زیر بدانیم:

- مسلح بودن به دانش و معرفت در موضوع مناظره؛
- یکنواخت نبودن مطالب و ارایه‌ی مطالب و مفاهیم توجه‌برانگیز؛
- تأکید بر پاسخگویی به مهم‌ترین مسائل و پرسش‌های مخاطب؛
- منحرف نشدن از موضوع اصلی بحث و پرهیز از حاشیه‌پردازی؛
- صریح بودن مطالب و دوری از ابهام‌گویی؛
- خلق و ایده‌پردازی مفاهیم برای نزدیک کردن به ذهن؛
- پرسش به قصد تأکید؛
- ارایه‌ی مطالب توجیهی.

۳. هدایت کردن

در رفتار ارتباطی امام(ع)، مخاطب ایشان چاره‌ای نداشت جز اینکه قدم بعدی را با ایشان بردارد؛ به عبارت دیگر، همگامی و هم‌آوایی امام(ع) به هدایت شدن طرف مناظره منتهی می‌شد و این یعنی همگام شدن با مخاطب هنگامی که عملی مطابق با رفتار مورد نظر دارد؛ در حالی که هدایت کردن انجام عملی متفاوت از مخاطب است (امام(ع) وقتی با مخاطب درگیر می‌شد، او را راهنمایی و در غیر این صورت با او همگامی می‌کرد). امام(ع) در مباحثات همواره سعی داشت با استفاده از شیوه‌هایی که در ذیل به آن اشاره می‌رود، مخاطب را به جهت بحث هدایت کند.

الف. درخواست اطلاعات بیشتر از مخاطب: امام(ع) ضمن تحریک مناظره‌گر، از وی اطلاعات یا پرسیدن‌های بیشتر می‌خواست. در رفتار مناظره‌ای ایشان بر این دو و به ویژه، پرسیدن بیشتر تأکید می‌شد. چنان که در مباحثات مشهود است، مخاطبان امام(ع) معمولاً، سؤال‌های خود را، در یک عبارت و حد اکثر، در چند عبارت کوتاه بیان می‌داشتند که عمدتاً، جامعیت کافی نداشتند؛ اما امام(ع) سعی می‌نمود مخاطب را ضمن وادار کردن به فکر و تعمق، به سمت جامعیت سؤال بکشاند؛ چرا که در مناظره هدف، تکامل شکل‌گیری ذهنیت مخاطب مناظره از موضوع یا مشکل مطرح‌شده است؛ نه صرفاً پاسخگویی؛ چنان که می‌توان اذعان داشت اهمیت شکل‌گیری تکامل ساختار ذهنی مخاطب از مسئله‌ی وی را خود به خود، برای گرفتن بی‌کم و کاست پاسخ هدایت می‌کند که در غیر این صورت، هر چند پاسخ صحیح داده شود، پس از مدتی، همان

سؤال ناقص با ساختاری متفاوت اما همچنان ناقص مطرح شده، شبه‌ی مجدد در ذهن شکل می‌گیرد. در شیوه‌ی مختص حضرت رضا(ع) ابتدا، برای مخاطب روشن می‌شد که منظور از سؤال چیست و سپس به پاسخ پرداخته می‌شد.

ب. ارجاع به منابع مورد توافق: یک مناظره معمولاً و نه الزاماً، با استفاده از موارد مورد توافق صورت می‌گیرد که به عواملی چون شخصیت مخاطب، اندیشه و آگاهی دو طرف و به مواردی چون مبادی، اصول و پیامد بحث بستگی دارد. شیوه‌ی امام(ع) در مناظرات برای هدایت مخاطب به بحث با توجه به این عوامل بود؛ چنان که ایشان در تأکید بر این مهم فرمود: «آیا منصف‌ترین فرد کسی نیست که در مناظره با خصم خود با کتاب، پیامبر و شریعت او مناظره کند!» (مرتضوی، ۱۳۷۵)؛ به همین دلیل، آنجا که رأس الجالوت برای مناظره با امام(ع) اذعان می‌دارد که هیچ‌گونه دلیل و برهانی از ایشان نمی‌پذیرد، مگر اینکه در تورات، انجیل، زبور یا در صحف ابراهیم و موسی(ع) باشد، امام فرمود: «تو هیچ دلیل از من نپذیر مگر آنچه در تورات، به زبان موسی بن عمران و در انجیل، به زبان عیسی بن مریم و در زبور، به زبان داوود نقل شده باشد» (مرتضوی، ۱۳۷۵) و در پاسخ جاثلیق نصرانی که به مأمون گفته بود «چگونه با کسی بحث کنم که به کتابی استدلال می‌کند که آن را قبول ندارم و به گفتار پیامبری احتجاج و مناظره می‌کند که به او ایمان ندارم؟» حضرت فرمود: «ای مرد مسیحی! اگر از انجیل برای تو دلیل بیاورم می‌پذیری؟» و او جواب داد: «آیا می‌توانم آنچه را انجیل فرموده رد کنم...!» (مرتضوی، ۱۳۷۵).

ج. استفاده از تعاریف: پرواضح است که هرچه امکانات و زمینه‌های مادی و معنوی بلاغت بهتر باشد، کاربرد روش‌های مختلف در مناظره، سهل‌تر و موفق‌تر است. به عبارتی، استفاده از لغات پیچیده و مبهم در مناظره ممکن است موجب سوء تعبیر شود؛ از این رو، با استفاده از کلمات ساده (نه به معنی پیش پا افتاده) می‌توان بر این مشکل فایق آمد. حضرت با توجه به دامنه‌ی لغات مباحثه‌گران، مخاطب را درک و به استعدادش توجه می‌کرد؛ از این رو، با هر یک از آنها به زبان خودش مباحثه می‌کرد. در احوالات ایشان است که فرمود: «من دلیل می‌آورم بر اهل تورات به تورات ایشان و بر اهل انجیل به انجیل ایشان و بر اهل زبور به زبور ایشان و بر کسانی که بر دین نوح(ع) هستند، به زبان عبرانی ایشان و بر آتش‌پرستان (زردشتیان)، به زبان فارسی ایشان و بر

اهل روم، به زبان رومی ایشان و بر کسانی که با من به گفت و گو پردازند، با هریک، به زبان خودش گفت و گو می‌کنم» (ابن بابویه، ۱۳۳۲). در حدیثی از ایشان است که «حدَّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَ ابْكُوا عَمَّا يَنْكُرُونَ (مجلسی، ۱۴۰۳)؛ از آنچه مردم می‌توانند درک کنند و بشناسند سخن بگویند و از آنچه نمی‌توانند درک و باور داشته باشند، خودداری نمایید».

نتیجه‌گیری

در این مقاله، با توجه به جریان مناظره‌های حضرت رضا(ع)، روش مناظراتی آن حضرت را به عنوان یک روش آموزشی مد نظر قرار دهیم. به این دلیل که امام(ع) با به کارگیری آن همواره نتیجه می‌گرفت، می‌توان از آن به عنوان یک روش یاددهی - یادگیری در کلاس استفاده کرد.

آنچه در این مقاله، بحث تحلیلی - تئوریک شد، توجه به رویکرد منطقی‌ای بود که امام رضا(ع) در روند مناظره‌های خود مد نظر داشت. از یک جهت، اصول استنتاجی مطرح‌شده در مناظره‌های آن حضرت، در واقع مؤید این است که مناظره و روند به کارگیری آن برای ایجاد فهم مشترک از مسائل، آگاهی‌بخشی و ایجاد نگرش توأم با عقلانیت است و از جهت دیگر، روش مناظره‌ای آن حضرت، نه جدل و تسلط علمی بر مسئله بود که اساساً از نظر علمی و روانی، بیشترین تأثیرات آموزشی را بر طرف مناظره‌ی خود می‌گذاشت. با توجه به فرایند مناظرات ایشان این مهم به دست می‌آید که روش مناظره در آموزش جریان کاوشگری، برای پاسخ یا رسیدن راه حلی از طریق گفت و گوی منطقی و فرایندمدار است. این مقاله این فرایند را در شیوه‌ی مناظره‌ای امام رضا(ع) در سه مرحله ارایه کرد: ۱. دعوت به پرسش؛ ۲. همگام شدن با مخاطب؛ ۳. هدایت مخاطب در مواقعی که با بن‌بست‌های فکری مواجه می‌شود.

در سیره‌ی آموزشی حضرت رضا(ع) و ائمه‌ی معصوم(ع) یکی از ابعاد مهم، توجه به چگونگی به کارگیری روش مناظره است که می‌تواند نقش بارزی را نه تنها در پیشبرد اندیشه‌ی الهی که در طرح مباحث نظری، از نظر دامنه و عمق داشته باشد؛ اما متأسفانه در محافل علمی و دانشگاه‌ها کمتر مورد توجه و استفاده‌ی عملی بوده است.

منابع

قرآن.

- آمدی، عبد الواحد بن محمد تمیمی. (۱۳۴۶)، شرح بارع جمال الدین محمد خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم با مقدمه و تصحیح و تعلیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۴)، عیون اخبار امام رضا(ع)، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۱.
- _____ . (۱۳۳۲)، عیون اخبار الرضا، ترجمه و شرح محمد تقی اصفهانی، تهران، علمیه الاسلامیه، ج ۱.
- بحرانی، کمال الدین علی بن میثم. (۱۳۴۹)، شرح نهج البلاغه ابن میثم، مشهد، آستان قدس رضوی، ج ۳.
- سجادی، سید مهدی. (۱۳۸۰)، تبیین رویکرد استنتاج در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، امیر کبیر، تهران.
- فرهنگی، علی اکبر. (۱۳۷۴)، ارتباطات انسانی مبانی، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، ج ۱.
- فلسفی، محمد تقی. (بی تا)، الحدیث رهنمودهای تربیتی پیشوایان دین(ع)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۲.
- کارنگی، دیل. (بی تا)، ناطقین زبردست و روش نفوذ آنها در مردم، ترجمه‌ی ضیاء عالم زاده، تهران، معرفت.
- لزینا، مایا ایوانونا. (۱۳۷۵)، الگوهای ارتباطی، ترجمه‌ی محمد جعفر مدبرنیا، تهران، ضیای نو، تهران.
- مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار، تهران، دار احیاء التراث العربی، ج ۲.
- مرتضوی، سید محمد. (۱۳۷۵)، نهضت کلامی در عصر امام رضا(ع)، مشهد، آستان قدس رضوی.
- مقامی، حمید. (۱۳۸۳)، بررسی فرایند ارتباط کلامی و مبانی آن در تعلیم و تربیت اسلامی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان (دانشکده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی).

